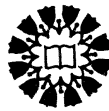


درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی

دکتر احمد نقیب‌زاده

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	بخش اول: زمینه‌ها
۷	فصل اول: جامعه‌شناسی سیاسی چیست؟
۸	قسمت اول: جامعه چیست؟
۸	۱. نظریه‌های کلاسیک
۲۰	۲. نظریه‌های جدید
۲۶	قسمت دوم: سیاست چیست؟
۲۸	۱. آیا سیاست همان دولت است؟
۲۹	۲. آیا سیاست همان قدرت است؟
۳۰	۳. جوهر سیاست چیست؟
۳۸	قسمت سوم: نسبت جامعه و سیاست
۳۸	۱. سیاست تعیین‌کننده وضعیت جامعه: اولویت سیاست
۵۳	۲. سیاست بازتابی از وضعیت جامعه
۵۹	۳. رابطه متقابل و افقی بین جامعه و سیاست
۶۳	۴. چستی جامعه‌شناسی سیاسی و الگوی تحلیلی آن
۶۶	فصل دوم: عوامل تأثیرگذار بر زندگی سیاسی
۶۷	قسمت اول: عوامل پایدار
۶۷	۱. عوامل طبیعی: اقلیمی، جغرافیایی و منابع طبیعی
۷۲	۲. تاریخ
۷۶	۳. رابطه فرهنگ و سیاست: تأثیر عوامل فرهنگی بر سیاست
۸۸	قسمت دوم: عوامل نیمه پایدار

صفحه	عنوان
۸۸	۱. تأثیر ساختارهای اجتماعی بر زندگی سیاسی
۱۱۷	۲. تأثیر داده‌های اقتصادی
۱۲۳	۳. تأثیر عوامل روانی بر زندگی سیاسی (روانشناسی و سیاست)
بخش دوم: نماد، نظام و کارویژه‌های سیاسی	
۱۳۷	فصل سوم: قدرت، سلطه و مشروعیت سیاسی
۱۳۸	قسمت اول: قدرت و قدرت سیاسی
۱۳۹	۱. ویژگی‌های قدرت سیاسی
۱۴۴	۲. انواع قدرت سیاسی
۱۴۵	قسمت دوم: سلطه سیاسی
۱۴۵	۱. تعریف سلطه
۱۴۶	۲. ریشه‌های سلطه‌جویی
۱۵۴	۳. ابزارهای اعمال قدرت و سلطه
۱۶۷	قسمت سوم: مشروعیت سیاسی
۱۶۷	۱. تعریف
۱۶۹	۲. انواع سلطه
۱۷۳	۳. نقد نظر وبر و طرح مسائل جدید
۱۷۶	فصل چهارم: نظام سیاسی و دولت
۱۷۶	قسمت اول: نظام سیاسی
۱۷۹	۱. ساختار سیاسی
۱۸۳	۲. کارویژه‌های نظام سیاسی
۱۸۶	قسمت دوم: دولت
۱۸۷	۱. شکل‌گیری دولتهای جدید
۱۸۹	۲. انواع دولت
۱۹۱	۳. تعریف دولت
۱۹۷	۴. وظایف دولت
۲۰۸	۵. ساختار قدرت در دولت

صفحه	عنوان
۲۱۸	فصل پنجم: بازیگران و نیروهای سیاسی
۲۱۹	قسمت اول: احزاب سیاسی
۲۱۹	۱. زمینه‌های پیدایش احزاب
۲۲۱	۲. انواع حزب
۲۲۴	۳. کارویژه و عملکرد احزاب
۲۲۹	۴. نظام‌های حزبی
۲۳۲	قسمت دوم: گروه‌های فشار
۲۳۲	۱. تعریف گروه فشار و عناصر متشکله آن
۲۳۵	۲. گونه‌شناسی گروه‌های فشار
۲۳۶	۳. وسایل فشار، مراکز مورد نظر و نحوه کنش
۲۳۸	۴. کارویژه گروه‌های فشار
۲۴۰	قسمت سوم: نیروهای دیگر
۲۴۰	۱. روشنفکران و مجامع روشنفکری
۲۴۶	۲. افکار عمومی
۲۴۸	۳. رسانه‌های جمعی
۲۵۲	۴. افراد و شخصیتها
۲۵۳	منابع و مآخذ

این کتاب را به آزادگان سرفرازی تقدیم می‌کنم که زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های بعثیان عراق مقاومت کردند و سخنی علیه ملت، کشور و ارزشهای اصیل خود بر زبان نراندند و آن را به یاد شهیدانی آغاز می‌کنم که هر یک مانند سیاوشی در مزار سینه ایرانیان پاک‌نهاد مأوی گرفتند و ردای به خون آغشته آنان پیوسته چونان پرچم سرخ شهادت بر بام این آذر ایزدانشان در اهتزاز است و حرامیان و قایلیان را به روز مبادا هشدار می‌دهد.

مقدمه

جامعه‌شناسی سیاسی یکی از رشته‌های جامعه‌شناسی عمومی است که بر برداشت خاصی از جامعه نیز استوار است. این برداشت از یک گوشه جنبه ایدئولوژیک پیدا می‌کند و از گوشه دیگر جنبه شناخت‌شناسانه. از بعد ایدئولوژیک این نگرش اصالت خاصی برای جامعه‌قائل است و بر آن است که تمامی پدیده‌ها و کنشهای اجتماعی برخاسته از جامعه و به عبارت دقیق‌تر تولیدهای جامعه است و رفتارهای فردی نیز به شدت تحت تأثیر ساختار اجتماعی قرار دارد. مذهب، اقتصاد، سیاست و هر مقوله جمعی دیگر چیزی جز تولیدهای این کل مولد نیست. از بعد شناخت‌شناسی نیز علم جامعه‌شناسی علمی فراگیر است که در درجه اول زیربنای همه علوم انسانی است و صلاحیت آن برای مطالعه هر پدیده اجتماعی از سیاست و روابط بین‌الملل تا پدیده‌های فرهنگی، از سایر رشته‌های علوم اجتماعی بیشتر است.^۱

برپایه این وسعت عمل است که جامعه‌شناسی خود به رشته‌های فرعی متعددی مثل جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی فرهنگی، جامعه‌شناسی مذهبی و جامعه‌شناسی سیاسی تقسیم می‌شود.^۲ بن‌مایه جامعه‌شناسی سیاسی در تمامی آموزه‌های جامعه‌شناسان برجسته قرون هجده و نوزده، با تفاوت‌هایی وجود دارد. برای عده‌ای مارکس پدر جامعه‌شناسی سیاسی است، از آن‌رو که وی سیاست را بازتاب ساختار اجتماعی - اقتصادی معرفی می‌کند و ریشه‌های اجتماعی سیاست را به گونه‌ای علمی مشخص می‌کند. اما نگرش تک‌علتی که فقط یک عامل را برای تشریح یک پدیده مطرح می‌کند بیشتر به نگرشهای فلسفی شباهت دارد تا به نگرش جامعه‌شناختی. در اساس کسی که سیاست را امری ثانوی تلقی می‌کند

۱. در مورد رابطه جامعه‌شناسی با سایر علوم ر.ک.: محسنی، منوچهر، *مقدمات جامعه‌شناسی*، ص ۲۱-۲۳.
2. Gazeneuve, Jean, *Sociologie de Marcel Mauss*, chap. 2.

چگونه می‌تواند پدر آن به حساب آید، در حالی که منتسکیو شایستگی بیشتری برای این عنوان دارد. زیرا وی تمامی عوامل و عناصر مؤثر بر پدیده‌های اجتماعی را هم‌زمان بر می‌شمارد و تأثیر متقابل این عوامل را در دایره کلیت اجتماعی در چهارچوب یک روش ساختاری به نمایش می‌گذارد. در این نگرش هیچ عاملی به تنهایی علت‌العلل را تشکیل نمی‌دهد بلکه هر پدیده اجتماعی از سایر پدیده‌ها اثر پذیرفته، بر آنها اثر می‌گذارد. در شکل‌گیری یک نظام سیاسی که خود نماد بارز و تعیین‌ملموس یک جامعه است تمامی عوامل و عناصر مرتبط با جامعه، از عوامل اقلیمی تا عناصر بیولوژیک و تاریخ و فرهنگ، مؤثر واقع می‌شود.^۱ در اینجا است که به جای یکسان فرض کردن تمامی جوامع و تعیین یک عنصر یا عامل به عنوان عامل تعیین‌کننده، از یک سو با مجموعه‌ای از عوامل و عناصر سروکار پیدا می‌کنیم و از سوی دیگر حساب هر جامعه‌ای را از جامعه‌ای دیگر جدا می‌کنیم.

پایه‌های دو نگرش در مورد جامعه یعنی نگرش خطی و تک‌علتی از یک سو و تکثرگرا و غیر تحویلی از سوی دیگر در قرن نوزدهم پی‌ریخته شد، اما دستاوردهای گسترده آنها در قرن بیستم آشکار گشت. در پی انبوه کارها و پژوهشهایی که از آغاز قرن بیستم انجام شده است، جامعه‌شناسی سیاسی خود به رشته‌های فرعی تری مثل جامعه‌شناسی انقلابها، جامعه‌شناسی احزاب و جامعه‌شناسی دولت تقسیم شد که حاصل آن غنای ادبیات سیاسی در نیمه دوم قرن بیستم است.

از آنجا که یک کتاب درسی باید نمایه‌ای بی‌طرفانه از تمام نظریه‌ها و روشها ارائه دهد تا از هدایت خواننده به یک نگرش خاص پیشگیری شود، ما برآنیم از تعریف موضوع به شیوه واژه‌شناختی (اتیمولوژیک) شروع و با پرداختن به موضوعهای اساسی جامعه‌شناسی، توضیح مبسوطی از جامعه‌شناسی سیاسی ارائه کنیم. بر پایه این روش، خواننده ضمن آشنایی با موضوعها و مسائل اساسی جامعه‌شناسی سیاسی می‌تواند مطالعات آتی خود را در این زمینه بر پایه علایق شخصی سامان دهد و در یکی از رشته‌های فرعی جامعه‌شناسی به مطالعه تخصصی بپردازد.

سازمان بحث به این صورت است که کتاب از دو بخش تشکیل شده، بخش اول با

۱. ر. ک.:: منتسکیو، روح‌القوانین، ص ۳۹۰ تا ۴۸۳.

عنوان نظریه‌ها که دارای دو فصل است و بخش دوم با موضوع نماد، نظام و کارویژه‌های سیاسی فصلهای سوم، چهارم و پنجم را شامل می‌شود. در فصل اول به تعریف نظری جامعه‌شناسی سیاسی و نظریه‌های مختلفی که دربارهٔ رابطه جامعه و سیاست وجود دارد می‌پردازیم و در فصل دوم عناصر و عوامل مؤثر بر زندگی سیاسی را به بحث می‌گذاریم. در فصل سوم عملکرد نظامهای سیاسی و شیوه‌های گوناگون اعمال سلطه را مطالعه می‌کنیم و در فصلهای بعد نظام سیاسی و دولت و در آخر بازیگران و نیروهای سیاسی را از نظر می‌گذرانیم. سؤالی که برای هر دانشجوی علوم سیاسی در آغاز مطالعه این کتاب پیش می‌آید این است که چه فرقی بین علوم سیاسی و جامعه‌شناسی وجود دارد؛ زیرا ممکن است تمامی عناوینی که در درس مقدمه علم سیاست با آن سروکار داشته است به نحوی در اینجا نیز وجود داشته باشد. کسانی مانند موريس دوورژه معتقدند در عمل هیچ فرقی بین علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی وجود ندارد؛ زیرا بسیاری از دانشگاههای امریکا آنچه را ما به عنوان جامعه‌شناسی سیاسی تدریس می‌کنیم در بخش علوم سیاسی و با نام علم سیاست تدریس می‌کنند.^۱

در فرانسه نیز اصطلاح جامعه‌شناسی اغلب نشان از فاصله گرفتن از روشهای حقوقی و فلسفی دارد که مدت‌ها بر علم سیاست سایه افکنده بود و انتخاب عنوان جامعه‌شناسی سیاسی به معنای علاقه‌مندی به تحلیلهای علمی‌تر و غیر هنجاری است.^۲ در عین حال به نظر ما تفاوت بزرگی بین علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی وجود دارد که به زاویه نگرش پژوهشگر مربوط می‌شود. برداشت عمومی از علم، برداشتی است انتزاعی، ثابت و جهان‌شمول. از این‌رو در علم سیاست اصولاً باید به دنبال روابط ثابتی بود که در همه جا و در همه اعصار ثابت باشند، اما در جامعه‌شناسی سیاسی باید در درجه اول تن به قواعد جامعه‌شناسی سپرد؛ زیرا دیدگاه جامعه‌شناسی اقتضا دارد پدیده مورد نظر در مجموعه اجتماعی آن مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو سیاست و پدیده‌های سیاسی را نمی‌توان فارغ از آن مجموعه مطالعه کرد. دیگر آنکه خصلت جهان‌شمولی علم جای خود را به تفاوت‌های اجتماعی هر مجموعه می‌دهد. امروزه دیگر نمی‌توان سیاست در ایران را با

1. Duverger, Maurice, *Sociologie de la politique*, p. 5.

2. *Ibid.*, p. 5.

سیاست در امریکا یکی دانست. نظام سیاسی این دو کشور تابعی از عوامل اجتماعی، تاریخی و فرهنگی جامعه آنهاست. آنچه در این فرایند حالت جهان‌شمولی خود را حفظ می‌کند فقط قواعد جامعه‌شناختی است. نکته دیگر پویایی اجتماعی است. هیچ نیرویی قادر به پیشگیری از تحولات اجتماعی نیست. هیچ چیزی ثابت و بر جای نیست - جمله در تغییر و سیر سرمدی است. از این رو علم جامعه‌شناسی نیز که ناظر بر این دگرگونیهاست خود پیوسته در حال دگرگونی است. ای بسا نظریه‌های امروز جای خود را به نظریه‌های جدیدی بسپارند و آنچه امروز ما بر آن پای می‌فشاریم فردا خالی از اعتبار باشد.